رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان تبیین کردند

وظیفه ما حفظ جهت‌گیری انقلابی است

صبح روز پنجشنبه رهبر انقلاب با اعضای مجلس خبرگان دیدار داشتند. در ادامه بیانات رهبر انقلاب را از نظر می‌گذرانید.

بسم الله الرحمن الرحیم

والحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدّین.

خیر مقدم عرض می‌کنم به آقایان محترم، برادران عزیز، اعضای فعّال مجلس مهمّ خبرگان. و تشکّر می‌کنم از این بیانات مشروح و مبسوطی که آقای بوشهری، در بیان مجاری امور در مجلس خبرگان در این اجلاس بیان کردند؛ مطالب مهمّی را ایشان بیان و نقل کردند از قول مجلس خبرگان. مسائل خیلی مهمّی را مطرح کردید؛ کاش بتوانید اینها را دنبال کنید و مطالبه کنید، ان شاءالله کار انجام بگیرد. مطلبی که بنده امروز آماده کرده‌ام که عرض بکنم خدمت آقایان، به طور خلاصه این است که مجلس خبرگان به لحاظ مفهومی، به لحاظ آن عنوانی که در قانون اساسی و در نظام تعریف شده، یکی از انقلابی‌ترین نهادهای جمهوری اسلامی است. منظورم از «انقلابی‌ترین»، مرتبط‌ترین است با انقلاب اسلامی؛ این [مجلس] به این معنا یکی از انقلابی‌ترین نهادهای انقلابی است. علّت این تعبیر که می‌گوییم «انقلابی‌ترین است»، نقش این مجلس است در گزینش رهبری؛ این خیلی کار مهمّی است، نقش منحصربه‌فردی است و بحمدالله مجلس خبرگان آماده است برای این نقش و باید آماده باشد. در این زمینه، من چند جمله‌ای را عرض می‌کنم.

در شاکله نظام اسلامی، در قواره کلّی نظام اسلامی، جایگاه رهبری عمدتاً برای حفظ جهت‌گیری به سمت هدف انقلاب است؛ این عمده مسئولیّت رهبری است. انقلاب برای یک هدفی به وجود آمده است. البتّه همه انقلاب‌ها اهدافی دارند، اهداف اساسی‌ای دارند که بر اساس آن هدفی که دارند، سامان زندگی را تغییر می‌دهند، زیرورو می‌کنند. هدف انقلاب اسلامی را اگر بخواهیم به طور خلاصه عرض بکنیم، عبارت است از محقّق کردن «توحید» در زندگی مردم در کشور.

«توحید» در جنبه معرفتی و مفهومی، یک امری است که به حسب مراتب فهم و معرفت افراد، قابل گسترش است؛ این مفهوم باید در زندگی جامعه محقّق بشود؛ [یعنی] توحید تحقّق پیدا کند در جامعه؛ چون توحید همه دین است. اصل دین و همه دین عبارت است از توحید. این هدف انقلاب اسلامی است که حالا جای بحث و حرف و توضیح و تبیین دارد که مجالش اینجا نیست. برای اینکه جامعه اسلامی به این هدف نزدیک بشود و یک جامعه توحیدی به وجود بیاید، تلاش‌هایی لازم است و موانعی وجود دارد. همیشه در راه حرکت به سمت این هدف موانعی پیش می‌آید، انگیزه‌هایی وجود دارد برای جلوگیری از این حرکت؛ انگیزه وجود دارد. این انگیزه‌ها متوجّه این است که نگذارند انقلاب و نظام به سمت هدف خودش حرکت کند و پیش برود و توفیق پیدا کند؛ [می‌خواهند] آن را متوقّف کنند، بلکه به عقب برگردانند؛ حالا ولو به عقب برگرداندن و آن وضع ارتجاعی قبل را نشان دادن، در لباس نویی باشد، در لباس جدیدی باشد امّا همان باشد؛ انگیزه‌هایی برای این وجود دارد.

در انقلاب‌های دیگر این انگیزه‌ها را مشاهده کردیم و موفّق شدند، توانستند مانع بشوند که این انقلاب‌ها به اهداف خودشان برسند؛ برگرداندند مسیر انقلاب‌ها را. حالا مثلاً در انقلاب کبیر فرانسه ـ که جزء بزرگ‌ترین انقلاب‌های نزدیک دوران ما است ـ هنوز پانزده سال از شروع انقلاب نگذشته بود که همان وضع قبلی، یعنی حکومت سلطنتی مستبدّانه و دیکتاتوری دومرتبه در کشور برقرار شد و همان شد. این همه حرکت مردم، حرکتِ متفکّرینِ معروفِ فرانسوی، تلاش‌ها و مجاهدت‌های مردمی، تلفات، کشتارها، زدوخوردها، همه اینها درواقع هیچ شد، نابود شد در ظرف کمتر از پانزده سال! عین این قضیّه به شکل بدتری در انقلاب شوروی پیش آمد که آن هم یک انقلاب بزرگی است؛ انقلاب کبیر شوروی.

آنجا هم همین جور؛ آنجا هم کمتر از ده سال طول کشید که آن ادّعاها و آن حرف‌ها و آن عدالتی که ادّعا می‌کردند و آن به اصطلاح مردم‌سالاری ویژه کمونیستی که از آن اسم می‌بردند، همه از بین رفت. یک دیکتاتور، یک قلدرِ گردن‌کلفتی مثل استالین آمد سر کار و قضایا تمام شد. یعنی این یک خطری است برای همه انقلاب‌ها.

در قرآن کریم به این نکته توجّه شده است و تذکّر داده شده، آن هم نه یک بار و دو بار، شاید ده‌ها بار. در آیات کریمه قرآن مکرّر درباره رجوع به عقِب و برگشتن به آن وضعی که از آن خلاص شدند و نجات پیدا کردند، صحبت شده؛ هم نسبت به مؤمنین و هم خطاب به خود کفّار. در یک مواردی تذکّر داده می‌شود به کفّار که شماها دارید همان روش گذشته را دنبال می‌کنید.

این آیه شریفه که در سوره توبه است: «فَاستَمتَعتُم بِخَلاقِکُم کَمَا استَمتَعَ الَّذینَ مِن قَبلِکُم بِخَلاقِهِم وَخُضتُم کَالَّذی خاضُوا»؛ این یعنی تکرار و انجام همان کارهایی را که در گذشته انجام می‌گرفته، به رخ آنها می‌کشند؛ می‌گویند شما دارید همان وضع قبل را دنبال می‌کنید. یا در این آیه شریفه که سوره ابراهیم است: «وَاَنذِرِ النّاسَ یَومَ یَأتیهِمُ العَذاب»، بعد می‌رسد به اینجا که «وَسَکَنتُم فی مَساکِنِ الَّذینَ ظَلَمُوا اَنفُسَهُم وَتَبَیَّنَ لَکُم کَیفَ فَعَلنا بِهِم وَضَرَبنا لَکُمُ الاَمثال»؛ در آیات متعدّد قرآنی در خطاب به مؤمنین هم این تهدید و هشدار وجود دارد که من اینجا دو سه آیه را یادداشت کرده‌ام: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اِن تُطیعُوا الَّذینَ کَفَروا یَرُدّوکُم عَلی اَعقابِکُم فَتَنقَلِبوا خاسِرین»؛ این در سوره مبارکه آل‌عمران [است]؛ اگر غفلت کردید، اگر اطاعت از آنها کردید، «ردّه» پیش می‌آید، عقبگرد پیش می‌آید، ارتجاع پیش می‌آید؛ قرآن هشدار می‌دهد. «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا اِن تُطیعوا فَریقًا مِنَ الَّذینَ اوتُوا الکِتابَ یَرُدّوکُم بَعدَ ایمانِکُم کافِرین»؛ این هم باز در سوره مبارکه آل‌عمران است.

در سوره مبارکه بقره [می‌فرماید]: «وَلا یَزالونَ یُقاتِلونَکُم حَتّی یَرُدّوکُم عَن دینِکُم اِنِ استَطاعوا». یا این آیه شریفه دیگر که باز این هم در سوره مبارکه بقره است: «وَدَّ کَثیرٌ مِن اَهلِ الکِتابِ لَو یَرُدّونَکُم مِن بَعدِ ایمانِکُم کُفّارا»؛ یعنی مسئله عقبگرد و توقّف و بازگشت به عقب مسئله کوچکی نیست، مسئله بسیار مهمّی است و قرآن به این مسئله پرداخته؛ ما در واقعیّتِ دنیای تاریخِ نزدیک به خودمان هم مواردی را می‌بینیم؛ در گذشته هم این را دیده‌ایم.

خب، یک عاملی لازم است برای اینکه جلوی این [عقبگرد] را بگیرد؛ در نظام اسلامی این عامل «جایگاه رهبری» است؛ بایستی جلوی این انحراف به‌وسیله رهبری گرفته بشود؛ این خیلی اهمّیّت دارد؛ خیلی اهمّیّت دارد؛ بنابراین اهمّیّت مجلس خبرگان به خاطر این است که متصدّی تعیین مأمور برای این مأموریّت بسیار مهم است؛ [یعنی] متصدّی تعیین رهبری است؛ اهمّیّت این مجلس به خاطر این است. لذا عرض کردیم [مجلس خبرگان] جزء انقلابی‌ترین‌ها است؛ حالا از لحاظ مفهومی جایگاهش این است؛ از لحاظ مصداقی البتّه ممکن است جور و اجور پیش بیاید؛ گاهی به این کار عمل بشود، گاهی نشود. کما اینکه در مورد رهبری ممکن است گاهی بتواند، گاهی نتواند. البتّه در مورد رهبری «نخواستن» متصوّر نیست؛ مسئله توانستن و نتوانستن است.

یک نکته مهمّ دیگری در این مسئله مسئولیّت مجلس خبرگان وجود دارد و آن عبارت است از اینکه وضعِ مجلس خبرگان و جعلِ مجلس خبرگان، معنایش این است که حرکت نظام اسلامی توقّف ندارد؛ یعنی در او وقفه حاصل نمی‌شود، به وجود نمی‌آید؛ مجلس خبرگانی وجود دارد که نفر بعدِ او را مشخّص کند؛ یعنی این تسلسل همچنان با قوّت، با قدرت، با توانایی کامل وجود خواهد داشت؛ این آمادگی مجلس خبرگان، حضور مجلس خبرگان، یک چنین معنا و مفهومی دارد. اگر این شخصی که وجود دارد نبود، بی‌درنگ مجلس خبرگان اقدام می‌کند و نفر بعد را مشخّص می‌کند؛ این [جور] است.

خب یک معنای حاشیه‌ای هم در اینجا وجود دارد که آن هم بسیار مهم است و آن، این است که این جابه‌جایی‌ها نشان می‌دهد که نظام اسلامی و انقلاب اسلامی وابسته به شخص نیست؛ اشخاص نقش دارند، مأموریت‌هایی دارند که باید انجام بدهند، نقش‌های مهمّی دارند که بایستی ایفا کنند آن نقش‌ها را، لکن نظام به آنها وابسته نیست و می‌تواند به راه خودش ادامه بدهد، ولو آن شخصِ معیّن در میان آنها نباشد. این را خدای متعال نسبت به پیغمبر اعظم، به مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شخصیّت عالم وجود بیان کرده: «اَفَاِن ماتَ اَو قُتِلَ انقَلَبتُم عَلی اَعقابِکُم؟» تصوّرش را بکنید، این آیه شریفه مربوط به جنگ اُحد است، یعنی سال سوّم هجرت. خدای متعال این آیه کریمه را نازل می‌کند، یعنی هشدار می‌دهد به مردم؛ زبان این آیه، زبان ملامت است، زبان مؤاخذه است که شما که از شایعه مثلاً قتل پیغمبر آشفته شدید و بعضی از اظهارات را [بیان] کردید، اگر چنانچه پیغمبر نبود، «اِنقَلَبتُم عَلی اَعقابِکُم؟» یعنی این مؤاخذه قرآنی است.

حالا شما فرض کنید در سال سوّم پیغمبر نباشد؛ هنوز نظام اسلامی‌ای که قوامی هم به خودش نگرفته، توانایی‌های لازم را هم هنوز پیدا نکرده، پیغمبر هم از میان اینها برداشته بشود؛ در یک چنین شرایطی، خدای متعال قبول نمی‌کند که مردم برگردند؛ اِنقَلَبتُم عَلی اَعقابِکُم؟ این اهمّیّت مسئله برگشت و متوقّف به شخص نبودن است.

خب، اینها وظایف مهمّی است که مجلس خبرگان دارد؛ یعنی اهمّیّت جایگاه مجلس خبرگان از آنچه فی‌الجمله عرض کردیم معلوم می‌شود؛ طبعاً این اهمّیّت، وظیفه بزرگی را هم بر دوش مجلس خبرگان می‌گذارد و آن، این است که مجلس خبرگان بایستی در گزینش خودش، نهایت دقّت و توجّه را به کار ببرد؛ نهایت دقّت و توجّه باید به کار برود. در قانون اساسی شرایطی برای رهبری ذکر شده که خب معلوم است؛ یکی از مهم‌ترینِ این شرایط عبارت است از اعتقاد قلبی راسخ به مسیر انقلاب و هدف انقلاب؛ این اعتقاد باید وجود داشته باشد. آمادگی برای حرکتِ مستمرّ بدون خستگیِ بی‌وقفه در این راه باید در کسی باشد تا شایسته این مسئولیّت باشد؛ باید اینها را در افراد تشخیص داد و انتخاب کرد. این، آن جمله‌ای بود که راجع به مجلس خبرگان خواستم عرض کنم.

این روزها مصادف است با اربعین شهادت مجاهد بزرگ زمان ما ـ حقّاً و انصافاً، مجاهد بزرگ و خستگی‌ناپذیر زمان ما ـ مرحوم آقای سیّدحسن نصرالله (رضوان‌الله علیه و رفع الله قدره و اعظم الله اجره)؛ مصادف با چهلم ایشان است. ما یاد ایشان را گرامی می‌داریم؛ یاد شهید هنیّه، شهید صفی‌الدّین، شهید یحیی السّنوار، شهید نیلفروشان و دیگر شهدای مقاومت را گرامی می‌داریم. من در اوّل عرایضم می‌خواستم عرض بکنم، حالا عرض می‌کنم؛ یاد شهدای این مجلس، شهید رئیسی (رضوان‌الله علیه) و شهید آل‌هاشم (رضوان‌الله علیه) را هم گرامی می‌داریم و درجات عالیه الهی را برای همه این شهدای بزرگوار مسئلت می‌کنیم.

این بزرگوارانی که اسم بردم، مرحوم آقای نصرالله و دیگرِ این شهدای عزیزِ این روزها، اینها حقّاً و انصافاً به اسلام عزّت دادند، به جبهه مقاومت هم عزّت دادند و توانایی و قدرت مضاعف دادند؛ همه اینها؛ اینهایی که اسم بردیم، هرکدام به حدّی و به شکلی. سیّد عزیز ما خب به مقامات عالیه شهدا عروج کرد و او خود به آنچه آرزوی آن را داشت رسید، لکن یک یادگار ماندگاری هم در اینجا گذاشت و آن «حزب‌الله» است. «حزب‌الله» به برکت شجاعت سیّد و درایت سیّد و صبر و توکّل عجیبی که او داشت، رشد کرد؛ رشد فوق‌العاده‌ای کرد و حقیقتاً تبدیل شد به یک تشکیلاتی که دشمنِ مجهّز مسلّح به انواع سلاح‌های مادّی و بیانی و تبلیغی و رسانه‌ای و غیره، نتوانسته بر آن فائق بیاید و ان شاءالله نخواهد توانست فائق بیاید. مرحوم آقای سیّدحسن نصرالله «حزب‌الله» را به یک چنین موجودی، به یک چنین پدیده‌ای تبدیل کرده.

حالا البتّه شرکتِ واضح و علنیِ آمریکا معلوم است؛ حقیقتاً دست‌های دولت آمریکا خون‌آلود است. با جنایاتی که در غزّه و در لبنان انجام گرفت، آمریکا شریک واضحی است که همه امروز دیگر می‌دانند؛ قبلاً به صورت تحلیل گفته می‌شد، حالا دیگر همه مشاهده می‌کنند؛ همچنین بعضی از کشورهای اروپایی.

آنچه بنده تأکید می‌کنم، این است که این مجاهدت‌ها که امروز بحمدالله با قوّت و قدرت تداوم دارد ـ هم در لبنان، هم در غزّه و فلسطین ـ قطعاً به دنبال خود پیروزی حق را، پیروزی جبهه حق را، پیروزی جبهه مقاومت را به دنبال خواهد داشت؛ این، آن چیزی است که ما [به آن] امیدواریم و برحسب آنچه حالا انسان می‌فهمد از مجموع حوادث و همچنین از وعده الهی احساس می‌کند، این نتیجه، نتیجه‌ای است که قطعی به نظر می‌رسد.

اوّلاً به دلیل وعده الهی. مصداق کامل این آیه شریفه، همین حوادث این روزها است: «اُذِنَ لِلَّذینَ یُقاتَلونَ بِاَنَّهُم ظُلِموا وَ اِنَّ اللهَ عَلی نَصرِهِم لَقَدیر * اَلَّذینَ اُخرِجوا مِن دِیارِهِم بِغَیرِ حَقٍّ اِلّا اَن یَقولوا رَبُّنَا اللهُ وَ لَو لا دَفعُ اللهِ النّاسَ بَعضَهُم بِبَعضٍ لَهُدِّمَت صَوامِعُ وَبِیَعٌ وَصَلَواتٌ وَمَساجِدُ یُذکَرُ فیهَا اسمُ اللهِ کَثیراً»؛ کلیسا را می‌زنند، بیمارستان را می‌زنند، مسجد را می‌زنند؛ یعنی واقعاً مصداق کامل [این آیه]. این «دفع النّاس بعضهم ببعض» وجود دارد که نتیجه‌اش چیست؟ دنباله آیه این است؛ نتیجه‌اش این است: «وَلَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن یَنصُرُهُ اِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزیز»؛ با این تأکیدی که در این عبارت وجود دارد. این «دفع بعضی از مردم به‌وسیله بعضی دیگر» یعنی دفع ظالم به‌وسیله مظلوم، دفع غاصب و متجاوز به‌وسیله مجاهدتِ مجاهدین فی سبیل‌الله، نتیجه‌اش این است: «وَلَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن یَنصُرُه». خب این وعده الهی است؛ یعنی فرمایش الهی است و تردید در این جایز نیست. تردید در وعده الهی جایز نیست. این وعده‌ای است که خدای متعال فرموده است. تا حالا هم همین جور اتّفاق افتاده.

این، از یک طرف، آیات قرآنی و وعده الهی است، از یک طرف، تجربه ما است. حزب‌الله در طول این سال‌های متمادی، در این حدود مثلاً نزدیک به چهل سال، سی و چند سال، یک بار رژیم صهیونیستی را از بیروت وادار به عقب‌نشینی کرد، یک بار از صیدا وادار به عقب‌نشینی کرد، یک بار از شهر صور وادار به عقب‌نشینی کرد، یک بار هم به کلّی جنوب لبنان را و شهرها و روستاها و بلندی‌های لبنان را از وجود نحس رژیم صهیونیستی تخلیه کرده؛ یعنی این توانایی حزب‌الله به مرور همین طور دائم افزایش پیدا کرده.

از یک جمعِ کوچکِ مجاهدِ فی سبیل‌الله تبدیل شده‌اند به یک تشکیلات عظیمی که یک چنین قدرتی دارد، یک چنین توانایی‌ای دارد که می‌تواند در نوبت‌های مختلف این دشمنی را که مسلّح به سلاح نظامی، سلاح تبلیغاتی، سلاح سیاسی، سلاح اقتصادی است، مستظهر به ورود فسّاق و فجّار بزرگ دنیا، مثل همین رؤسای جمهور آمریکا و امثال اینها است، به عقب‌نشینی وادار کند و آن را شکست بدهد. این تجربه ما است که [آن را] دیده‌ایم. عین همین تجربه در مورد مقاومت فلسطین اتّفاق افتاده. آنها هم از سال ۱۳۸۸ تا امروز نُه بار با رژیم صهیونیستی درگیری داشتند که در همه این نُه بار اینها غلبه پیدا کردند. امروز هم مقاومتِ فلسطین بر رژیم صهیونیستی غلبه پیدا کرده؛ برخلاف آنچه در ظاهر امر، انسان سطحی مشاهده می‌کند. برای خاطر اینکه او مقصودش این بود که حماس را ریشه‌کن کند، نتوانسته بکند. این همه انسان را قتل‌عام کرده، چهره زشت خودش را به همه دنیا نشان داده، خباثت خودش را به همه ثابت کرده، خودش را محکوم کرده، خودش را منزوی کرده، رهبران مقاومت را، رهبران حماس را به شهادت رسانده، به خیال اینکه حماس تمام شد، درعین حال حماس دارد همچنان می‌جنگد، همچنان دارد مبارزه می‌کند؛ معنای این، شکست رژیم صهیونیستی است. همین طور حزب‌الله؛ حزب‌الله هم همین جور است: قوی است. حالا یک عدّه‌ای در خود لبنان و جاهای دیگر، به گمان اینکه حزب‌الله ضعیف شده، زبان به قَدْح کارهای حزب‌الله باز کرده‌اند؛ اشتباه می‌کنند، اینها دچار توهّمند. حزب‌الله قوی است و دارد مبارزه می‌کند. بله، شخصیّت برجسته و مهمّی مثل جناب سیّدحسن نصرالله یا جناب سیّدهاشم صفی‌الدّین و امثال اینها در بین آنها نیستند امّا [این] تشکیلات با مردان خودش، با قدرت معنوی خودش، با روحیه خودش بحمدالله حضور دارد و دشمن نتوانسته بر این تشکیلات فائق بیاید و ان شاءالله نخواهد توانست و ان شاءالله دنیا و منطقه روزی را خواهد دید که به طور واضح رژیم صهیونیستی از دست این مجاهدین فی سبیل‌الله شکست بخورد. امیدواریم ان شاءالله همه شما آقایان محترم این روز را مشاهده کنید.

آیا با تبریک گفتن مشکل تحریم‌ها حل می‌شود؟

ساده‌سازان در بازی ترامپ

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

بالاخره ترامپ رئیس جمهور شد و حالا بازار تحلیل و استدلال‌ها برای رفتار با آمریکا در روزهای پساترامپ داغ است، از طرفی برخی حقیقت‌های تاریخی مثل مذاکره با صدام را مطرح می‌کنند و به دنبال اینند که فضای افکار عمومی را برای مذاکره با آمریکایی‌ها فراهم کنند. برخی دیگر هم فکر می‌کنند اگر ریاست جمهوری ترامپ را به او تبریک بگوییم، راه‌های مذاکره، سهل و ساده می‌شود و روابط ایران و آمریکا را در سطح یک اختلاف خانوادگی پایین می‌آورند و تصور می‌کنند می‌شود با این دست اقدامات روابط ایران و آمریکا را جوش داد و آن را حل‌وفصل کرد. موضوعی که نشان می‌دهد برخی سیاسیون بازهم در دام ساده دیدن مسائل پیچیده در سیاست افتاده‌اند، نکته جالب ماجرا این است که کسانی این ادعاها را مطرح می‌کنند که هرآنچه لازم بود، برای رأی آوردن دموکرات‌ها در انتخابات انجام دادند.

طرفداران مذاکره با آمریکا در هر شرایط و هر لحظه

درست در میانه بحران منطقه و در شرایطی که مقامات سیاسی ایران اعلام کردند مذاکراتی میان ایران و آمریکا در جریان نیست، اظهاراتی مطرح می‌شد که تنها راه‌حل چالشی را که در منطقه وجود دارد، مذاکره با آمریکا می‌دانست.

این ادعاها در حالی مطرح می‌شد که آمریکایی‌ها نیز خود تمایلی به مذاکره نداشتند، امری که نشان می‌داد آنچه در این اظهارات مورد بی‌توجهی قرار گرفته، واقعیت صحنه بین‌المللی و نداشتن تحلیلی درست از رفتار آمریکا و اروپا در مواجهه با منطقه و البته ایران است. هم‌زمان با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا اظهارات اینچنینی مطرح می‌شد و با درنظرگرفتن احتمال رأی آوردن ترامپ یا هریس، این گزاره نیز مطرح می‌شد که اگر ترامپ در انتخابات پیروز شود، ازآنجاکه یک تاجر و به دنبال معامله است، می‌شود با او پای میز مذاکره نشست. حالا و در روزهایی که ترامپ به‌عنوان رئیس جمهور آمریکا انتخاب شده، اظهار اینکه باید مذاکره با آمریکا انجام شود، همچنان ادامه دارد و البته سمت‌وسویی دیگر پیدا کرده است.

پیروزی ترامپ را تبریک بگویید!

حمید ابوطالبی، مشاور سیاسی حسن روحانی در یادداشتی که اخیراً منتشر کرده، اشاره‌ای به سیاست رؤسای جمهور اصلاح‌طلب و اعتدال‌گرا در مواجهه با آمریکا کرد و آن سیاست‌ها را بی‌نتیجه و بی‌هدف خواند. «گفت‌وگوی تلفنی با اوباما برای مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم و امضای برجام» و «عدم گفت‌وگو با ترامپ- داستان مکرون- برای جلوگیری از شکست مذاکرات و نابودی برجام» را سیاست‌هایی خواند که بعدها رؤسای جمهور نسبت به آن ابراز پشیمانی کردند و گفت که «برای کنترل تنش‌ها»، باید از ماندن در گذشته اجتناب کرد و رویکردی تازه اتخاذ کرد.

ابوطالبی برای گشودن مسیر آینده معتقد است رئیس جمهور باید انتخاب ترامپ را تبریک و «آداب دیپلماتیک» را در این رابطه رعایت کند و گفت: «در آغاز راه و در جهت رعایت آداب دیپلماتیک، در یکی از سخنرانی‌هایتان پیروزی ترامپ را تبریک بگویید؛ سخنگوی دولتتان نسبت به حل مشکلات ایران و آمریکا ابراز امیدواری کند و کنترل روابط ایران و آمریکا را خودتان در دست بگیرید.»

آمریکا: موضع‌گیری خاصی در مورد انتخابات ایران نداریم

سؤالی که در این رابطه مورد توجه قرار دارد، این است که در سال‌های گذشته و در ادوار مختلف ریاست جمهوری ایران، رؤسای جمهور و مقامات سیاسی آمریکا چه واکنشی نسبت به انتخابات ریاست جمهوری ایران و پیروزی آنها در انتخابات داشتند؟

مادلین آلبرایت، وزیر خارجه دولت دموکرات کلینتون در بخشی از صحبت‌های خود به این موضوع اشاره کرد: «ایالات متحده، موضع‌گیری خاصی، نسبت به نتیجه انتخابات ایران ندارد. برای ما آنچه اهمیت دارد، این است که ایران در عرصه بین‌المللی، رفتاری مسئولانه داشته باشد و به تعهدات خود درخصوص برنامه هسته‌ای، حقوق بشر و حمایت از تروریسم عمل کند.» هشت سال بعد، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا در دولت بوش موضع‌گیری‌های تندی درخصوص برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران داشت تا آنجا که اساساً مشروعیت انتخابات ریاست جمهوری در ایران را زیرسوال برد و گفت: «در شرایط کنونی، دشوار بتوان نتایج انتخابات ایران را مشروع دانست.» با این وجود سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به این موضوع اشاره کرد که «کشورش دولت جدید ایران را براساس عملکرد آن مورد قضاوت قرار می‌دهد اما همچنان تردید دارد که ایران به برآوردن خواسته‌های مردم خود یا رفع نگرانی‌های جامعه بین‌الملل علاقه‌مند باشد.» امری که نشان می‌داد دولت بوش با وجود مواضع تندی که در خصوص ایران می‌گیرد، اما همچنان موضع‌گیری مشخصی در خصوص انتخاب نامزدهای انتخاباتی به ریاست جمهوری حداقل به صورت واضح ندارد. در میانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، بحث قالب در رقابت‌های انتخاباتی غنی‌سازی هسته‌ای و مذاکره با آمریکا، تقریباً به بحث ثابت تبدیل شده بود و حسن روحانی نیز با تکیه بر همین موضوع و درحالی که تحریم‌های ایران شدت پیدا کرده بود، توانست در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود. درحالی که در آمریکا باراک اوباما، رئیس جمهور بود و ازآنجا که در سال‌های پایانی دولت دهم، مذاکراتی با آمریکا آغاز شده بود، تصور این بود که چراغ سبز روحانی با واکنش صریح آمریکایی‌ها همراه خواهد شد. بعد از پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا در واکنش به انتخابات ریاست جمهوری ایران گفت: «من منتظر این نیستم که انتخابات آینده محاسبات اساسی ایران را تغییر دهد. پرونده هسته‌ای ایران در دستان رئیس جمهور فعلی و رئیس جمهور آینده نیست.» واقعیت این بود که آمریکایی‌ها حتی حاضر نشدند درخصوص انتخاب حسن روحانی اظهارنظر واضحی داشته باشند و تنها به این موضوع اشاره کردند که انتخابات محاسبات را برای ما تغییر نمی‌دهد. دو ماه بعد از استقرار دولت، در شرایطی که نامه‌نگاری‌ها میان رئیس جمهور ایران و رئیس جمهور آمریکا در جریان بود. سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرد نامه اوباما در خصوص تبریک حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران بود. درواقع رئیس جمهور دموکرات آمریکا هم که انتخاب ریاست جمهوری حسن روحانی را تبریک می‌گفت، حاضر نشد، این پیام را صراحتاً و در قالب پیام رسمی بیان کند و آن را در یک نامه، آن هم محرمانه مطرح کرد و مقامات ایرانی آن را منعکس کردند. موضع‌گیری آمریکایی‌ها در خصوص انتخابات ریاست جمهوری ایران در ۱۴۰۰ نیز بدون واکنش مستقیم در خصوص انتخاب رئیسی به عنوان رئیس جمهور بود. تنها یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا، در مصاحبه‌ای ایران را به این امر محکوم کرد که از فرایند انتخابات آزاد و عادلانه برخوردار نیست. در آخرین مورد و بعد از انتخابات زودهنگام ایران در ۱۴۰۳، وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای به این موضوع اشاره کرد: «این انتخابات تأثیر مهمی بر رویکرد ما نسبت به ایران نخواهد داشت.»

اشتباه محاسباتی در رفتار با آمریکا

نگاهی به واکنش آمریکا در سال‌های مختلف و در دوران ریاست جمهوری دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان نشان می‌دهد آمریکایی‌ها هیچ‌زمان حتی در دورانی که رئیس جمهور ایران برای برقراری رابطه با ایران چراغ سبز نشان دادند، صراحتاً و رسماً موضعی درخصوص انتخاب رؤسای جمهور ایران نگرفتند و اساساً چنین چیزی میان روابط ایران و آمریکا عرف نبوده است. رفتار مشخص همه رؤسای جمهور در این خصوص این بوده که سیاست‌های آمریکا در قبال ایران با تغییر رؤسای جمهور تغییر چندانی نخواهد کرد. حال اگر در همین قالب بخواهیم آنچه از جانب برخی چهره‌های اصلاح‌طلب و اعتدالی، مبنی بر این را که ایران با تبریک ریاست جمهوری آمریکا برقراری روابط دیپلماتیک با آمریکا را کلید بزند مورد توجه قرار دهیم، این موضوع اساساً بلاموضوع می‌شود و حتی در نگاه به واقعیت ما جرا می‌تواند ایران را در موضع ضعف قرار دهد. به نظر می‌رسد در این رابطه چند اشتباه تحلیلی و محاسباتی رخ داده است.

ساده‌سازی در معادلات دیپلماتیک را جدی بگیرید

۱ نکته اول اینکه تصور این موضوع که با دادن پیام تبریک به ترامپ مناسبات ایران و آمریکا تغییر می‌کند، منطقی به نظر نمی‌رسد، شرایط فعلی منطقه و روابط میان آمریکا و ایران در وضعیتی قرار دارد که هر رفتار ایران می‌بایست با محاسبات دقیق و منطقی صورت گیرد تا هم ایران را در موضع ضعف قرار ندهد و همچنین تنش‌ها را بیش از این افزایش ندهد، اما حالا انجام رفتاری که پیش از این مسبوق به سابقه هم نبوده و هیچ زمان در عرف دیپلماتیک دو طرف وجود نداشته، می‌تواند ایران را در موضع ضعف نیز قرار دهد.

۲ باید به این موضوع هم توجه داشت که عجله در رفتار با آمریکا، می‌تواند شرایط را بدتر کند، بهتر است برای انجام هر رفتاری یا ارائه تحلیل درخصوص رفتار با آمریکا، ابتدا به این موضوع توجه کرد که طرف مقابل چه مبنایی برای رفتار در مقابل ایران دارد، در شرایطی که منطقه در وضعیت بحرانی قرار داد و رفتارهای اعلامی و اعمالی آمریکایی‌ها با یکدیگر در تناقض است، بهتر است به جای هیجان‌زده رفتار کردن، برمبنای واقعیت و مقتضیات بین‌المللی رفتار کرد.

۳ نکته مهمی دیگری که باید به آن توجه داشت این است که روابط دیپلماتیک میان کشورها پیچیده‌تر از آن است که صرفا با یک سلام و پیام تبریک بتوان، چالش‌های آن را حل‌وفصل کرد، آنچه در اظهارات مشاور رئیس جمهور اسبق بیش از همه خودنمایی می‌کند، ساده‌سازی این معادلات و مناسبات پیچیده است، ساده دیدن مسائل در روابط دیپلماتیک و خصوصا آمریکا، نهایتا منجر به این می‌شود که خسارت‌های بیشتری متوجه کشور شود.

تجربه این جنس ساده‌سازی در سیاست خارجی در سال‌های گذشته، را مردم ایران به‌وضوح لمس کردند. در این راستا البته حمید ابوطالبی تجربه روشنی در مواجهه با رفتار آمریکایی‌ها داشته است. در میانه فروردین سال ۹۳ آمریکایی‌ها برای معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور که به سمت نمایندگی ایران در سازمان ملل منصوب شده بود، ویزا صادر نکردند و استدلال آنها این بود که ابوطالبی یکی از دانشجویان پیرو خط امام در جریان تسخیر سفارت آمریکا در ایران بوده است. این تجربه در میانه دولت دموکرات اوباما نیز اتفاق افتاده؛ امری که انتظار می‌رود او از این تجربه درک دقیق‌تری از رفتار آمریکا در مواجهه با ایران داشته باشد.